

متن پیاده سازی شده جلسه بیست و ششم تفسیر قرآن کریم 17 خرداد ماه 1402

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

در سال تحصیلی گذشته به فلسفه تفسیر پرداختیم و 19 مساله بیان شد. در سال تحصیلی جدید، خود تفسیر را شروع کردیم و از سوره حمد بحث را آغاز کردیم. نوع تفسیر که ما داریم ترتیبی موضوعی است و کل جلسات سال تحصیلی به تفسیر سوره حمد خصوصاً تفسیر بسمله گذشت و روش تفسیر ما به نحوی است که فقط در خود مساله تفسیر ورود کنیم و به مسائل پیرامون تفسیر کمتر بپردازیم. در این جلسه آخر مروری بر جلسات سال گذشته خواهیم داشت.

شروع بحث

مساله 20 (آخرین عنوان فلسفه تفسیر): تحلیل ادله و روایاتی که مبین ثواب یا فضیلت برای تلاوت برخی سوره ها یا آیات است. مثلاً ممکن است روایت بگوید تلاوت فلان سوره این ثواب را دارد و ممکن است بگوید تلاوت فلان سوره این فضیلت را دارد. روایت داریم که می گوید اگر سوره حمد را بر مریض خواندید و شفا یافت تعجب نکنید. خب این ثواب سوره را نمی رساند بلکه فضیلت سوره را می رساند. به هر حال در روایات برای سوره ها و برخی آیات مثل آیت الکرسی ثواب و فضیلت داریم. روایات هم یکی دوتا نیست پس باید چکار کنیم.

مجموعاً ما 4 رفتار می توانیم نسبت به این روایات داشته باشیم. البته این روایات در خصوص قرآن نیست بلکه شامل ادعیه و زیارات و اعمال هم می شود مثلاً روایاتی در مورد ثواب حج، روایاتی در مورد خواندن زیارت عاشورا و

1. قبول مطلق: مثلاً شخصی کتابی در مورد ثواب سوره ها یا آیات می نویسد و این کتاب خیلی به طبع مردم و علما خوش می آید و از قضا یک منبری هم از این کتاب استفاده فراوان می کند ولی نکته اینجا است که نه به سند این مطالب کاری دارند، نه به دلالت روایات کار دارند و مطلقاً قبول کرده اند. البته لازم نیست کسی به زبان اقرار کند و رفتار عملی دارد. در بحث عقاب ها هم قضیه همین است یعنی ممکن است یک عملی عقاب عجیب و غریبی برای اش بیان شده است که نقل محافل شده و کسی کاری به سند و دلالت این روایت ندارد.

جالب تر اینکه بعضی وقت ها عوام با ذهن سازج و خالص شان زیر بار این حرف ها نمی روند ولی ما مثلاً مباحثی مثل احترام به روایت، احترام به تراث و کتب اربعه و ... را مدنظر قرار می دهیم و روایات را می-پذیریم.

2. رد مطلق: اگر آثار بعضی از نویسندگان معروف را بخوانید تمام این مطالب را به سخره می گیرند. مثلاً آثار مرحوم دکتر شریعتی که با تفکر انکار همراه بودند و کاری به شهرت، سند و دلالت نداشتند و این ثواب ها را نمی پذیرفتند.

3. قبول و توجیح: کسانی که اینگونه روایات را قبول داشتند و توجیح می کردند مانند اصحاب تفسیر نمونه. بنده بعد از چاپ تفسیر نمونه از جلد 12 یا 17 به بعد با این بزرگان همکاری داشتم و به خاطر همکاری، مابقی مجلدات را خط به خط خوانده ام. این حضرات وقتی به این روایات رسیدند یک توجیح را پیش راه خود قرار دادند و گفته اند این ثواب ها درست است ولی مطلقاً درست نیست بلکه به شرط عمل درست هستند.

دلایلی که این حضرات برای توجیح خود آورده اند این است که شاهد سخن ما برخی از سوره ها است که قرأ و عمل دارد مثل سوره قیامت که در آیه ای آمده: قرائت کند و معرفت داشته باشد - در سوره مومنون آمده ادمان دارد - در سوره احزاب آمده تعلیم بدهد - در سوره نوح محتسباً صابراً آمده.

اگر امام جایی فرمودند قرأ و عمل و جایی دیگر فرمودند قرأ، ما عام و خاص و مطلق و مقید داریم و مطلق را بر مقید حمل می

کنیم. خب اگر عمل باشد چه اشکالی دارد که یک نفر سوره احزاب را بخواند و به آن عمل هم بکند چه اشکالی دارد.

این مدل صحبت کردن چندین اشکال دارد:

أ. اگر کسی وجود مَثَبِ قرأ و عمل در سوره قیامت را اتفاقاً قرینه بگیرد بر ضد حرف آقایان شما چه می-گوئید؟ یعنی امامی که در سوره قیامت قرأ و عمل گفته نمی توانست در سایر سوره ها هم بگوید؟

بنده در نسخه بازبینی که برای حضرات فرستادم نوشتم این شاهد بر عکس می شود نه شاهد بر وفاق. مثلاً اگر من به شما بگویم اگر زید را دیدی سلام مرا به او برسان و این هزار تومانی را هم به او بده و یک روز دیگر به شما بگویم اگر عمرو را دید و در حال تدریس بود این هزار تومان را به او بده، خب من نمی توانستم همین مطلب را در مورد زید هم بگویم یا اینکه نگفتن بنده در مورد زید باید باری داشته باشد.

اولاً چیزی که حضرات می خواهند برای بیان خودشان شاهد بیاورند ما هم می خواهیم خلاف شاهد آنها بیاروریم و شاهد بر نظر خودمان باشد.

ثانیاً شما می گوئید قرائت و عمل، خب مگر ما در اصول نخوانده ایم اگر مثبتین باشد موجب تقیید می-شود علما هر مطلق و مقیدی را که حمل بر همدیگر نمی کنند بلکه مطلق و مقیدی را حمل می کنند که متخالف باشند. لذا اگر متوافقین بودند (هر دو مثبت یا هر دو منفی) موجب تقیید نمی شود پس در تلاوت سوره قیامت قرائت و عمل آمده قبول ولی در بقیه سوره ها نیست آیا این مقید می شود!؟

ثالثاً حتی اگر مثل قدیمی ها بگوئیم مثبتین موجب تقیید می شود باز این هم جایی است که مورد واحد باشد نه اینکه مورد فرق داشته باشد. مثلاً اگر مولی بگوید اکرم زیداً و بعد بگوید اکرم عمرو بالاطعام آیا این اطعام عمرو مقید به زید هم می شود؟ مورد ما هم همینگونه است یعنی سوره آل عمران را قرائت کنید اینگونه می شود یا سوره قیامت را قرائت کنید و عمل کنید اینگونه می شود و اینها دو چیز هستند.

رابعاً جریان اطلاق و تقیید در نصوص شرعی است نه در نصوص مبین مسائل معرفتی و ما هم اینجا دنبال حکم شرعی نیستیم و به دنبال توجیح فضایل و ثواب هستیم.

سوالات آخر درس

سوال 1) ثواب ها را تشکیکی بگیریم یعنی ثواب حد بالا و ثواب حد پائین بگیریم و ثواب حد بالا، ثواب با عمل است.

پاسخ: بیان شما درست یعنی مقول به تشکیک باشد ولی دلیل حرف شما چیست؟ آیا با صرف خواندن مستحق همین ثواب در سوره می شود یا نمی شود؟ مثلاً کاخی در بهشت به شما می دهند که اگر از روز اول شروع به دیدن این کاخ کنید تا آخر خدائی خداوند اتاق های این کاخ تمام نمی شود یا مثلاً چندین هزار حوری به شما می دهند. علامه طباطبایی در این زمینه ها می گویند چیزی نگویید می رویم آنجا ببینیم چه می شود.

سوال 2) استاد این فرمایشی که در مورد اصالة اطلاق یا اصالة العموم داشتید با توجه به مبنای شما که اصول عقلائی می دانید دیگر اینها را نمی توان به احکام شرعی و غیره محدود کرد مگر اینکه تعبدی باشد.

پاسخ) ممکن است بعضی جاها عقلائی نباشد یعنی باید از خود عقلا پرسیم. آیا عقلا مطلقاً این کار را می کنند یا در بحث هایی که دنبال معرفت هستند تعبد ندارند. عقلا یک وقت می خواهند با قانون ارتباط بگیرند یا یک وقت می-خواهند با واقع ارتباط بگیرند. مثلاً اگر تاریخ هم باشد این کار را می کنند. بنده معتقدم موارد فرق می کند و آنها در گزاره های غیر احکام دنبال اطمینان هستند.

سوال 3) استاد در روایات امور معنوی یک چیزهایی دخیل هستند که احساس می کنیم منظور ظاهر نیست و باطن است. مثلاً بنده صبح که از خواب بیدار می شوم یک آیه ای را تلاوت می کنم یک لذت و استفاده ای برای بنده حاصل می شود ولی فرداً مثلاً اینگونه نیست. به نظر بنده اینکه روایت برای چه کسی بیان شده و در چه فضایی بوده مهم است.

پاسخ) ما با یک نصی مواجه هستیم (فرضا از حیث سند و دلالت هم مشکلی ندارد) که حق یارانه دادن به این نص را نداریم. ممکن است شما کل قرآن را برای یک نفر تلاوت کنید سر سوزنی در این فرد اثر نگذارد ولی با تلاوت یک سوره بر شخصی دیگر اثر می پذیرد. روایت داریم که مرد عربی نزد پیامبر آمد و عرضه داشت برای من قرآن بخوانید و پیامبر إذا زلزلت را خواندند و تا رسید به آیه فمن مثقال ذرة یره مرد عرب گفت بس است و رفت. پیامبر فرمودند رجع فقیها یعنی به قدری عوض

شد که فقیه شد و رفت.

سوال 4) استاد در روایات که صحبت از معرفت شده باید نوع معرفت هم مشخص شود یا اینکه گفته شده عمل شود منظور از عمل چیست، چه نوع علمی منظور است؟
پاسخ) عمل که معلوم است و این آقایان خواهند گفت منظور از معرفت، معرفتی است که مقدمه عمل باشد نه صرف معرفت بدون عمل که فایده ندارد.